

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۷ جولای ۲۰۱۵

مجلس چهل و چهارم (در این که دنیا زندان مؤمن است)

شامگاه روز سه شنبه سیزدهم ماه رجب سال ۱۴۰۵ هجری قمری، شیخ عبدالقادر گیلانی (رضی الله تعالی عنه) در مدرسه چنین فرمودند: مؤمن در دنیا غریب است و زاهد در آخرت، و عارف از هر چه جز ذات خدا بیگانه است. مؤمن در دنیا زندانی است، هر چند رزق و روزی فراوان رانیز دارا باشد، زن و فرزند او به جاه و ثروتش شادمانند، اما او در زندان باطن است. شادی او در چهره است اندوهش در دل، دنیا را شناخته و او را یک طلاق گفته است، یک طلاق بدین علت که از دگرگونی زندگی اندکی خوف داشته، اما بمجرد اینکه در آخرت بروی اوباز شد، و انوار آنرا مشاهده نمود، طلاق دوم را هم جاری کرد، و هنگامیکه دست در گردن آخرت کرد، طلاق سوم را هم جاری کرد، و بتمای در جوار آخرت قرار گرفت، و زمانی که انوار حق بر او تابید، آخرت رانیز طلاق داد، دنیا بدو گفت، چرا مرا طلاق دادی؟ جواب داد، چون از توی بیا تر ایدیم. آخرت پرسید چرا مرا طلاق دادی؟ جواب داد: تو زیبایی، اما آنچه که من جوای او هستم تونیستی، پس چگونه ترا طلاق نگویم، که به شناخت حق نائل آمده ام. در اینچنین حالتی دیگر فرد مؤمن از آنچه که غیر خداست آزاد است، از دنیا و آخرت بیگانه است، و محو جمال حق است. در این حال دنیا به سوی او می آید، و سراسر در خدمت او قرار می گیرد، اما بدون آرایش و زینتی که معمولاً خواستاران خود را بآن می فریبد، بلکه خود را در قالب پیر زنان و کنیزکان زندگی بدومی نماید تا مورد توجه و عنایتش قرار نگیرد.

بخدا روی آور، با تمام وجود خود را بدو واگذار، فردا را بمانند دیروز ترک نما، چه بسا فردا بیاید، و وجود نداشته باشی. ای توانگر، به ثروت و دارائی خویش سرگرم مباش، ممکن است فردا بیاید و با فقر و تنگدستی قرین شده باشی. به چیزی از دنیا تکیه مکن، بلکه اتکالت فقط به بخدا باشد، زیرا قلب مؤمن تنها باید خدا آسایش می یابد. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرموده است: «لَا رَاحَةَ الْمُؤْمِنِ مِنْ دُونِ لِقَاءِ رَبِّهِ» (مؤمن بدون دیدار خداوند آرامش ندارد).

هرگاه ارتباط بین خود و خلق را بران کردی، و رابطه با خالق را احیا نمودی، خداوند امورات را اداره می کند. آنچه را که برایت انتخاب می کند، ناخوشایند بدان، هر کس برخواست خدا صابر باشد شگفتیهای زیادی از الطاف اومی ببند. هر کس بر فقر صبر داشت، به توانگری میرسد، بیشتر کسانی که بمقام نبوت رسیده اند، شبان بوده اند. بیشتر اولیاء، از میان غربا و بردگان برخاسته اند، چون هرگاه بنده ذلت و خواری را بخواست و اراده خداوند قبول کرد، عزیز می شود. هر که نسبت به خدا متواضع و فروتن باشد، بمقام عالی میرسد. خدای است که عزیز می کند، و ذلیل می سازد، بلند می کند، و خوار میدارد و توفیق می دهد.

ای گروه که به اعمال خود مغرور شده اید، چه چیز شمارا براین واداشته است؟ اگر توفیق خدا نبود، شما کی قادر به انجام نماز و روزه بودید؟ کی می توانستید در قبال مشکلات و معضلات صابر باشید؟ شما باید در مقام شکر باشید، نه در جایگاه خودخواهی. مع الاسف- اکثر مردم به اعمال و عبادات خویش مغرورند و خودستائی می کنند.

آنانیکه طالب حمد و ثنای دیگرانند، در انتظار دنیا و اربابان آن هستند، زیرا تنها از حال نفس آگاهی دارند، و تمام آرزوها و آرزویشان دنیا است. دنیا محبوب نفس و آخرت محبوب قلب است، و حق عزوجل محبوب اسرار و باطن می باشد.

خداوند حکم اجرای اوامر را به دل شما القاء می کند، چون وسیله رسیدن به تمام مقامات و مراتب اجرای احکام الهی است، و هرکس غیر از این ادعائی بکند، کاذب است، و هرکاری که شریعت آنرا گواهی نکند زندقه و کفر است.

بادیال کتاب و سنت بسوی خدا پرواز کن، به این دواصل کلی بگرو، دست در دست رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) بنه، و او را معلم و راهنمای خود بدان، تا ترا به زینت دین آراسته گرداند. مربی حقیقی اوست، نقاد و صیرفی دانائست که نیک و بد را مشخص می کند، امیر و فرمانروای صالحین است، قسمت کننده احوال و مقامات است، زیرا حق عزوجل، این مقام را بدو تفویض فرموده است، او را امیر کل قرار داده است، هرگاه از طرف امیری به لشکریانش خلعت هائی داده شود، قطعا بدست فرمانده آنان تقسیم می گردد، (بنابر این خلعت های ایزدی بدست رسول گرامی تقسیم می گردد)؟

توحید عبادت است، و شرک عادت. عبادت را ملازم باش و از شرک حذر کن. هرگاه عادت را تغئیر دادی، در وضعیت تو تغئیر حاصل می شود، خدای تبارک و تعالی فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»-

حب نفس و خلق را زدل بران، و حب خالق آنها را در آن جای ده، روزه روز و نماز شب وقتی سودمند می باشد، که با طهارت قلب و صفای باطن همراه باشد.

یکی از بزرگان گفته است: «روزه و نماز شب، بمنزله سرکه و سبزی سرسفره است، اصل طعام صدق و راستی است». اول باید اصل طعام را در نظر گرفت، بعد چیزهای رنگارنگ را. طعام اصلی صدق است، و دست از دنیا شستن، و به لقای حق پیوستن، و خلعت و فرمانروائی و نیابت و همه چیز را یافتن.

هرگاه قلب بنده به حقیقت بحق تسلیم شد، در مقام قرب تمکن می یابد، سلطنت اقطار زمین بدو تفویض می شود، و نشر دعوت خلق بسوی خدا برایش مسلم می گردد، در برابر آزار و اذیت مردم صابر خواهد بود، تا بتواند در ابطال ناحق و اظهار حق قیام کند. از دریای علم ربانی انهار حکمت بر قلوب بندگان صالح جریان می یابد، تا بر دلهای معرضین نیز بگذرد و موجب هدایت آنان شود.

(یا غلام) مأكول حرام دل را می میراند، و مأكول حلال آنرا زنده می کند. لقمه ای هست که قلب را نورانی می کند، و لقمه دیگر آنرا تیره و تاریک می سازد. لقمه ای ترا بدینیا سرگرم می سازد، و لقمه ای به آخرتت پیوند میدهد، لقمه ای ترا از دنیا و آخرت زاهد می کند، و لقمه ای ترا به خالق دنیا و آخرت راغب می گرداند. طعام حرام بدنیا پست و مشغول می دارد و ارتکاب معاصی را در نظرت کم اهمیت جلوه می دهد، و طعام مباح به آخرت مشغولت می دارد، و به عبادات و طاعات مایل می کند. و طعام حلال به قرب حقت هدایت می کند. شناخت این طعامها جز به شناخت خدا میسر نیست، و شناخت خدا تنها با قلب پاک ممکن می گردد- این را- در کتابها و دفاتر نباید جستجو کرد، این امر در اثر لطف خود- خداوند ممکن است، نه بوسیله خلق. معرفت خدا به عمل خالصانه به احکام او، صدق و توحید، ثقت و اطمینان بذات او، و خروج اتکاء به خلق از دل ممکن و میسر می شود.

تو چگونه قادری به شناخت حق دست یابی، در حالیکه جز خورد و خوراک و لباس و نکاح، چیزی دیگری را در نظر نداری؟ و توجه هم نمی کنی که آنها از چه ممری بدست آمده اند، آیا فرمایش رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) را نشنیده ای که فرموده است: «مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ أَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمَشْرَبُهُ لَمْ يُبَالِ اللَّهُ مِنْ أَيِّ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ النَّارِ ادْخَلَهُ»- (هرکس توجه

نکرد که خوراک و نوشیدنی و هر نعمتی را که در اختیار دارد از کجاست، خداوند نیز توجه نمی کند که از کدامیک از درهای دوزخ داخلش می کنند).

حضرت شیخ عبدالقادر (رضی الله تعالی عنه) باز فرمودند: خود را به جمع مال دنیا و زخارف آن سرگرم مدار، و توجه به دنیا از خدا غافلت نکند. خلق پایبندت نکند، بگونه ای که از خدا دور شوی، تو بمیزان عقل و درک آنان سخن بگویی، و با آنها مدارانما. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «مُدَارَةُ النَّاسِ صَدَقَةٌ» - (بامردم مدارا کردن صدقه است). از عطای خداوند عزوجل به دیگران ببخش، از کرامت و بزرگواری خدانسبت بخود، دیگران را بهره مند گردان، بامردم بامهربانی و محبت رفتار کن، تا خلق و خوی تو نشانی از خلق خدائی باشد.

شیخ دوگونه است، شیخ حکم و شیخ علم، شیخ باخلق و خوی نیک ترا به درگاه حق راهبری میکند. دو باب است که از ورود بدان ناچاری، یکی باب خلق و دیگری باب خالق، باب دنیا و باب آخرت، که هریک تابع دیگری است، باب خلق، اول، و باب خالق بدنبال آن، البته به باب دوم نخواهی رسید، مگر اینکه از باب اول گذر کنی. دنیا را از دل بران تا به آخرت رسی. شیخ حکم را خدمتگزار باش، تا ترا به شیخ علم برساند. از خلق دوری گزین تا به معرفت خالق نائل گردی. این درجات یکی پس از دیگری حاصل می شود. البته باید توجه داشت که آنها ضدیکی دیگرند، و باهم جمع نمی شوند، پس منتظر اجتماع آنها مباش. فرشته به خانه ای که در آن عکس وجود داشته باشد، داخل نمی شود (۱)، پس چگونه خدای متعال در دلی که بت دنیا و عکس شهوات در آن باشد، جلوه می کند؟ هر چه غیر از خداست، در حکم تندیس و بت است، این بتها را بشکن، و خانه دل را از وجود آنها پاک نما، تا حضور صاحبخانه را در آن ببینی و از شگفتیها چیزهائی مشاهده کنی، که قبل از آن هرگز ندیده بودی.

بارخدا یا، ما را به آنچه که رضای تست موفق بدار.

و «آتَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» آمین.

۱- این عبارت که بنام حدیث نبوی مشهور شده، چنانچه صحیح باشد منظور آن عکس و تمثالهاست که برای تقدیس و پرستش در خانه آویزان باشد.